



صدای کارگران کونیست

پیام دهم «ندای سرخ»: روز قدس را چگونه بگذرانیم

جمعه 27 شهریور، که آخرین جمعه ماه رمضان است و به نام «روز قدس» معروف شده، موقعیت دیگری را در دست رهبران احزاب و گروه های اصلاح طلبان حکومتی در شکل های «راه سبز امید»، «اعتماد ملی» و «مجمع روحانیون» و دیگر احزاب باصطلاح «اپوزیسیون درون حکومتی» قرار داد تا مردم را به «اعتراض سبز» و «تظاهرات سکوت» و ... فرا بخوانند و با استفاده از امکانات حکومتی و موقعیت های تبلیغاتی ای که متحدان خارجی شان برایشان فراهم نموده اند، موج جدید احتمالی را که بعد از بازگشایی دانشگاه ها به راه خواهد افتاد را به خود نسبت دهند و خود را در مقام رهبری این جنبش و آغازگر آن معرفی کنند. البته این هم مانند دیگر کارهای تبلیغاتی شان تلاش برای ایجاد توهم دیگری بین مردم از همه جا بی خبر است. واقعیت آنست که مبارزات انقلابی مردم هرگز متوقف نشده بود که ایشان آغازگر مجدد آن باشند. مبارزات مردمی در سطح کوچه و بازار و محلات همچنان ادامه داشت و شور و شوق انقلابی هرگز از بین نرفته بود، بلکه به اشکالی متنوع تر و بنیادی تر از «تظاهرات های متمرکز» مردمی پیش می رفت، که البته به علت سیاست فرصت طلبانه ی اصلاح طلبان مورد تبلیغ ایشان قرار نمی گرفت، اما، هرکس که مایل به دانستن باشد، می تواند با رجوع به شماره های روزانه ی «خبرنامه ندا» و پیامهای «ندای سرخ» از آنها مطلع شود. هنگامیکه موسوی و طرفدارانش، برای بهره برداری بهتر از مبارزات مردمی و کنترل متمرکزتر بر آنها، مشغول سازماندهی خود در حزب جدید «راه سبز امید» بودند و طرفداران کروی نیز بر طبل «افشاگری» فجاج قبلاً افشا شده ی شکنجه و تجاوز بازداشتیان می پرداختند و هاشمی رفسنجانی نیز با اعمال فشار از طریق «معتراضان روحانی» بر جناح حاکم، گرفتار مانورهای سیاسی و بده بستان های حکومتی بود، مبارزات مردمی ریشه ای تر می شد. طبقه کارگر پس از یک وقفه کوتاه مدت به خود آمد و مبارزات صنفی خود را با روش ها و خواسته های رادیکالتر احیا نمود. خانواده های زندانیان سیاسی و جانبازان راه آزادی، تجمعات روزانه ی خود را در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین و گردهمایی هفتگی در پارک لاله نهادینه ساختند. هسته های تبلیغاتی «پاران خیابانی» در و دیوارهای محلات را مزین به شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور» کردند. دانشجویان بازگشتی برای امتحانات معوقه، مجدداً خوابگاه ها را به مرکز مبارزه سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی و استبداد نمودند. تظاهرات های چند صد نفره و گاه چند هزار نفره در محلات نیز ادامه داشت. این تحرکات مردمی نشاندهنده تداوم مبارزات مردم در سطوح بنیادین و ابعاد مختلف بود. مهمتر آنکه هزینه این اقدامات به مراتب کمتر از استفاده از تاکتیک اصلاح طلبان بود و در عمل نشان داد که اگر مردم با داشتن دیدی درازمدت تر از آنچه اصلاح طلبان تبلیغ می کنند و با اهدافی به مراتب بنیادی تر و قدمهایی با ثبات تر بسوی انقلاب و دموکراسی پیش روند، به مراتب هزینه های کمتری خواهند پرداخت. بنابراین وظیفه دوستان و رفقای آگاه در هسته های مبارزاتی است که با توجه به تجربه های بدست آمده و با به کارگیری آنها، خود و «پاران خیابانی شان» را برای موج جدید اعتراضات پانزیر آماده کنند.

نکات مهمی که از آغاز مبارزات تا کنون تجربه کردیم این بود که: 1) تمرین و آموختن انقلاب و دموکراسی در عمل و مبارزه برای اجرای آنان است. مبارزات طبقاتی و اجتماعی تعطیلی بردار نیست و همواره جاری است. پس یکی از مهمترین بخش تدارکات برای پیشبرد انقلاب و تحقق دموکراسی، جمع بندی گروهی و اجتماعی از مقاطع و مراحل قبلی است و با حصول چنین دانشی است که نهایتاً جامعه، خود را به سطح آگاهی و آمادگی لازم برای احقاق خواسته های گروه های مختلف و متنوع اجتماعی می کند. 2) همچنین، بر خلاف ادعای اصلاح طلبان حکومتی، دموکراسی از تغییرات گام به گام اصلاحات درون حکومتی نمی گذرد و با استفاده ی ابزاری از مبارزات فشرده و متمرکز مردمی قابل دستیابی نیست. بلکه تا زمانی که دستگاه های سرکوب نظام جمهوری اسلامی توانایی برخورد با تجمعات و تحرکات مردمی را ندارند، هیچگونه تغییر قابل توجهی در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران نمی توان وجود آورد و اهداف دمکراتیک طبقات و قشرهای مختلف و متنوع مردمی را محقق ساخت. بنابراین ما باید به این مبارزات دیدی درازمدت تر از اصلاح طلبان حکومتی داشته و هر مقطع و مرحله از آن را بمثابة ی قدمی در تدارک بر داشتن قدم بعدی بدانیم. چرا که خلع سلاح و انهدام ماشین حکومتی نیاز به نیرویی به مراتب وسیع تر از دانشجویان و جوانان دارد و بخصوص تا زمانی که طبقه کارگر آماده ی مبارزه ی مستقیم برای تغییر شرایط سیاسی مملکت نگشته است، توفیق در این راه امکان پذیر نخواهد بود. 3) نکته ی بعدی اینکه، ما در مقابل سازماندهی طبقاتی ای روبرو هستیم که تقسیم کار پیچیده و مؤثری را در یکصد سال گذشته برای حمایت و حفاظت از منافع خود بوجود آورده است. آنقدر پیچیده که یکی از ابزار تحمیلی آن را، اینک مردم بعنوان نیرویی خودی می پندارند. و آنقدر مؤثر که توانسته است اراده اقلیتی چند هزار فامیلی را، علیرغم اجماع اراده ی هفتاد میلیونی مردم، به ما تحمیل کند. پس این نیروی عظیم مردمی نیز نمی تواند چون رهنمودهای اصلاح طلبان حکومتی، گله وار به مبارزه ادامه دهد. اگر ما نتوانیم خود و مردم را در در اشکال مختلف سازمان یابی اجتماعی متشکل کنیم، نخواهیم توانست، از شر دیکتاتوری این طبقه ی چند هزار فامیلی رها سازیم. ما اشکال متنوعی را در پیام های گذشته معرفی کرده ایم. اما، به علت کمبود نیرو و وقت تنها توانسته ایم یکی از این تشکلات را (انجمن یا شورای محلی) که بر مبنای شرایط روز از اهمیت بالایی برخوردار است، برای شما بشکافیم. البته در پیام و اطلاعیه کارگری مان نیز تا حدودی به شکل سازماندهی شورای کارخانه ها هم پرداخته ایم. امیدواریم در پیامهای آتی بتوانیم به چند نوع دیگر آنها بپردازیم. 4) جامعه ایرانی برای انجام چنین جهش انقلابی ای نیاز به هماهنگی و همگون بودن زیادی نیاز دارد. نباید به دام تبلیغات و فراخوان های پیاپی اصلاح طلبان برای انجام تظاهرات و تجمعات مرکزی بیافتیم. با در نظر گرفتن نیروی محدود جوانان و دانشجویان، نباید به شرایطی وارد شد که آمادگی آن را نداریم. دقت کنید که نیروهای اصلاح طلب فقط به منافع فوری خود می نگرند و نیروی مردمی را نه بعنوان نیروی متحول کننده اجتماعی، بلکه فقط بمثابة ی اهرم فشار بر جناح مقابل می خواهند. همانطور که در این چند ماه دیده ایم، آنها اهمیتی به هزینه ی بالای رویارویی های متمرکز در زمان و مکان هایی که نیروهای سرکوبگر حکومتی در آماده گی و تمرکز کامل به سر می برند، ندارند. ما بدون انکار اهمیت مبارزات گسترده و متمرکز برای آموزش و آماده سازی، باید نیروهای خود را در زمان و مکان و شیوه هایی که آمادگی شان را داریم به درگیری با حکومتیان بکشانیم.

بنابر گفته های بالا ما معتقدیم که فردا، جمعه «روز قدس»، زمانیکه نیروهای حکومتی خود را در مقابل دانشگاه و خیابان و میدان انقلاب متمرکز کرده اند، زمان مساعدی برای تجمع و تظاهرات نیروهای مردمی است. اما، نه در مکان ها و مسیرهای اعلام شده توسط حکومتیان مرتجع و اصلاح طلب! ما باید نیروهای خود را در میدانی متمرکز کنیم که به محله های مسکونی مان نزدیک می باشند تا بتوانیم با حداکثر نیروی ممکن در مقابل حداقل نیروی سرکوبگران روبرو شویم. در مورد چگونگی شکل دادن به صف ها و ... صحبتی نمی کنیم، چرا که در این چند ماهه مردم نشان داده اند که خود سبکترانه تر از هر کارشناسی توانسته اند در میدان ها تصمیم گرفته و بصورت ماهرانه اجرا کنند. اما خاطر نشان می سازیم که این تجمعات نباید دچار توهمات مبلغان خط مشی «عدم خشونت» باشند. هسته های «پاران خیابانی» باید خود را با انواع ابزار دفاعی تجهیز کنند. نباید گذاشت تا سرکوبگران بدون هیچ مقاومتی پارانیشان را بازداشت کرده و سرکوب کنند. در هر جا که سرکوبگری به جان یک نفر یا گروه می افتند باید فوراً نفرت و گروه های دیگر با تهاجم به آنان به کمک پاران خود بپردازند و با قدرت جماعت خود، آنان را وادار به فرار و عقب نشینی کنند.

یکی از دلایلی که ما پیشنهاد می کنیم در میدانی نزدیک به محله های مسکونی خود تجمع کنید اینست که بیشترین تلفات و بازداشت ها زمان پایان تظاهرات ها و متفرق شدن جمعیت اتفاق می افتد. هنگامیکه متوجه می شوید مردم در حال خالی کردن میدان و رفتن به خانه ها هستند، باقی ماندن در میدان اشتباه است. بلکه باید هر چه سریعتر و منظم تر، به شکل جمعی منطقه را ترک کرده و به محله های خود باز گردید.

مرگ بر جمهوری اسلامی / نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی